

ارزیابی کتاب نمایش ذهن در داستان از فؤاد مولودی

هیوا حسن پور^۱

۱. معرفی و توصیف اثر:

کتاب *نمایش ذهن در داستان* از جمله کتاب‌هایی است که به بررسی سیر تاریخی جریان سیال ذهن در داستانهای معاصر فارسی می‌پردازد. این کتاب در ۳۸۴ صفحه از سوی نشر پایا در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است. در چهار فصل با عنوانهای: روایت ذهنی چیست؟ تعریف، مؤلفه‌ها و زمینه‌های پیدایش؛ روایت ذهنی در ادبیات داستانی ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۵؛ روایت ذهنی در آثار هوشنگ گلشیری از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷؛ روایت ذهنی در آثار دیگر نویسندگان ایرانی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ به سرانجام رسیده است.

شکل ظاهری کتاب و نگارش و ویرایش کتاب، تقریباً پیراسته و منقح است و اگر از برخی غلط‌های تایپی و کاربرد نادرست افعال چشم‌پوشیم در مجموع، اثری روان و سلیس است که نشان از دقت و وسواس نویسنده آن در کتابت دارد. اصول ارجاع دهی در کتاب، همان ارجاع دهی مرسوم و پذیرفته شده در مجامع علمی است و نویسنده به درستی و به‌جا در متن کتاب متناسب با مباحث از ارجاع به کتاب‌های این حوزه استفاده کرده و امانت‌داری را نیز با وسواس و دقت خاصی رعایت کرده است. بخش اعظم کتاب، نقد عملی و نشان دادن سیر تاریخی روایت ذهنی در ادبیات داستانی است و مقدمات و مبانی نظری کتاب نیز با ارجاع به کتاب‌های ارزشمند این حوزه و به صورت مفصل در قالب ۸۷ صفحه به اتمام رسیده است.

از نظر تقسیم‌بندی مبانی نظری برای فهم هر چه بهتر مطلب، چینش منطقی صورت گرفته و ابتدا با تعریف روایت ذهنی و مصداق‌های آن، بحث را پی‌گرفته سپس نمود این نوع روایت در ادبیات غرب را به خوبی تبیین کرده است. آنچه در این بخش، جلب نظر می‌کند و حاکی از دقت و امعان نظر نویسنده در آثار این حوزه دارد آن است که نویسنده، آثار شکل گرفته در غرب را نیز از نظر گذرانده و به داده‌های کتاب‌ها و مقالاتی که در این حوزه نوشته شده‌اند، اکتفا نکرده است. سردمداران این نوع روایت را به خوبی معرفی کرده و سیر تاریخی را نیز در این معرفی لحاظ کرده است. هرچند بیشترین تلاش نویسنده بررسی این تکنیک روایی در آثار گلشیری است اما دیگر آثار ادبی این حوزه را نیز معرفی کرده و در فصل‌های دیگر کتاب به آنها پرداخته است.

^۱ هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان.

۲. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر:

فصل اول کتاب - که چهارچوب و شاکله مبانی نظری آن به‌شمار می‌رود - به معرفی جریان سیال ذهن و نمودهای آن می‌پردازد اما دقت در ویژگی‌ها و شاخصه‌های این نوع روایت، برای تمایز آن از سایر روایت‌ها از نظر نویسنده دور نمانده است. نگاه انتقادی نویسنده در همین فصل نیز دیده می‌شود و همین باعث شده که هر نوع روایتی را در شمار روایت ذهنی به حساب نیاورد و با خوانش فصل اول، خواننده به درک و دریافت درستی از تعریف و چهارچوب روایت ذهنی می‌رسد.

به نظر می‌رسد چون حوزه مفهومی جریان سیال ذهن یا همان روایت ذهنی با برخی دیگر از ویژگی‌های روایی مانند کانونی‌سازی و تداعی ارتباط و پیوند دارد اگر سعی در ترسیم شکل و یا تصویری برای فهم این نوع روایت می‌شد فصل اول کتاب ارزش و شکوه بیشتری پیدا می‌کرد؛ به عبارت دیگر تلاش و کوشش نویسنده در شناساندن و تعریف دقیق روایت ذهنی خوب و مفید فایده است، اما به دلیل فرار بودن مباحث و ویژگی‌های بسیار زیادی که این نوع روایت دارد، نویسنده می‌توانست از شیوه‌های آموزشی بهتری برای شناساندن و معرفی این نوع روایت استفاده کند به‌خصوص آنکه ویژگی‌ها و شاخصه‌های آن نیز این قابلیت را دارند چه از نظر اشتغال و افتراق آن با تداعی و مباحث کانونی سازی و چه از نظر نموداری کردن آن برای نشان دادن سیر خط فکری (صورت تفصیلی این بحث همراه با شاهد مثال در مقاله‌ای که ان‌شاءالله نوشته خواهد شد بیشتر توضیح داده می‌شود).

فصل دوم کتاب بر اساس سیر تاریخی، سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۵ را دربرمی‌گیرد که ابتدا توضیحی در مورد آشنایی نویسندگان ایرانی با این نوع روایت داده شده سپس به ذکر برخی آثار در این بازه زمانی پرداخته شده است. این فصل حدود صد صفحه از کتاب را دربرگرفته است.

فصل سوم کتاب که تقریباً مفصل‌ترین فصل کتاب است و به نظر می‌رسد نویسنده نیز هدف از نوشتن کتاب که گرانی‌گاه اثر خود را نیز بر آن گذاشته، همین فصل از کتاب است. این فصل حدود ۱۵۰ صفحه کتاب را دربرگرفته است و به صورت تفصیلی به شرح و توضیح روایت ذهنی در داستانهای گلشیری پرداخته است. آنچه که این فصل را شاخص می‌کند رعایت سیر تاریخی داستانها و بررسی روایت ذهنی در آنهاست که خواننده را به درک و دریافت درستی از آثار گلشیری رهنمون می‌شود. نگاه انتقادی و تحلیلی نویسنده در تمام مباحث فصل دیده می‌شود و امتیاز ویژه‌ای به این فصل از کتاب داده است.

فصل چهارم کتاب، به روایت ذهنی در آثار دیگر نویسندگان ایرانی در بازه زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ اختصاص داده شده است که با ذکر یک مقدمه و معرفی و بررسی چهار اثر داستانی به پایان رسیده است.

در مجموع، کتاب *روایت ذهنی در داستان*، هم نگاه هم‌زمانی به این نوع روایت در ادبیات داستانی ایران دارد و هم نگاه درزمانی؛ به عبارتی دیگر، وقتی به بررسی آثار داستانی گلشیری پرداخته است می‌توان گفت نگاه، نوعی نگاه هم‌زمانی است که آثار گلشیری را از این منظر بررسی کرده و درک و دریافت درستی برای خواننده به ارمغان می‌آورد اما آنجا که سیر تاریخی این نوع روایت را در بازه‌های زمانی متفاوت بررسی کرده است، نگاه، درزمانی است که باعث می‌شود

خواننده سیر تاریخی این نوع روایت را درک کند و قوّت و ضعف آن را دریابد. نگاه انتقادی نویسنده و اشراف خوب او بر آثار داستانی غرب نیز که در این حوزه شکل گرفته‌اند در تمام بخش‌های کتاب دیده می‌شود و منابع مورد استفاده نیز متفاوت و خوب هستند که از خلال آنها می‌توان به درک و دریافت درستی از این نوع روایت رسید.